

وقتی چند روز بعد از توافق سه‌جانبه آذربایجان، ارمنستان و آمریکا بر سر احداث مسیری بین نخجوان و آذربایجان، روز دوشنبه مسعود پزشکیان یک دیدار دوجانبه با پاشینیان، رئیس‌جمهور ارمنستان راهی ایروان شده طبیعی است که یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث نیز مسئله تأسیس کریدور زنگرور و تعیین تکلیف مسیرهای عبوری ایران از قفقاز باشد.

پس از این دیدار اکانت منتسب به رئیس‌جمهور در مورد موضوع رئیس‌جمهور در مورد زنگرور در این دیدار، نوشت: «در نشست با نخست‌وزیر ارمنستان تأکید کردم باور دولت جمهوری اسلامی ایران حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی ارمنستان و تداوم روابط صمیمانه میان دو کشور است و نگرانی‌های ما در ارتباط با حضور نیروهای ثالث در نزدیکی مرزهای مشترک باید به طور کامل برطرف شود.»

معاون سیاسی دفتر رئیس‌جمهور نیز خبر داد که نخست‌وزیر ارمنستان در دیدار با رئیس‌جمهور کشورمان بر حفظ روابط خوب با ایران و عدم تغییر مرزها به عنوان تصمیم قطعی و خطوط قرمز ارمنستان تأکید کرده است.

همچنین وزیر راه و شهرسازی ایران که همراه با رئیس‌جمهور در این سفر حضور دارد در گفت‌وگویی، تأکید کرده که اتصال استراتژیک خلیج فارس به دریای سیاه از طریق مسیر ریلی ایران به جلفا و ادامه آن به نخجوان و ایران، تأثیر بسزایی در ترانزیت میان ایران، ارمنستان، آذربایجان و کشورهای اروپایی خواهد داشت. این اظهارات درحقیقت پاسخی است که وزیر راه سعی دارد به نگرانی‌ها در مورد تلاش برای انسداد جغرافیایی ایران بدهد.

پرونده کریدور زنگرور نشان‌دهنده پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی منطقه است. از یک طرف نگرانی‌ها درباره مسدود شدن مسیرهای ایران به اروپا وجود دارد و از طرف دیگر استدلال‌هایی که بر عدم قطعیت این مسدود شدن تأکید دارند. ایران با تمرکز بر همکاری‌های دوجانبه مانند آنچه در این سفر انجام شد می‌تواند موقعیت خود را تقویت کند. آینده این کریدور به مذاکرات و توازن قدرت‌ها بستگی دارد. ایران باید با سرمایه‌گذاری در مسیرهای جایگزین و رصد امنیتی منافع خود را حفظ کند و هم‌زمان از توسعه روابط با همسایگان غافل نشود. فلسفه زنگرور را می‌توان در رقابت‌های منطقه‌ای دید. ترامپ آن را به نام خودش نامیده و به عنوان دستاورد صلح معرفی کرده اما ارمنستان با پروژه چهارراه صلح به دنبال توازن است. منتقدان بر محدودیت دسترسی ایران تأکید دارند، اما مدافعان بر کنترل ارمنستان بر مسیر اشاره می‌کنند. حضور آمریکا می‌تواند فشار بیاورد اما ایران می‌تواند با طراحی‌های اقتصادی و سیاسی مسیرها را باز نگه دارد.

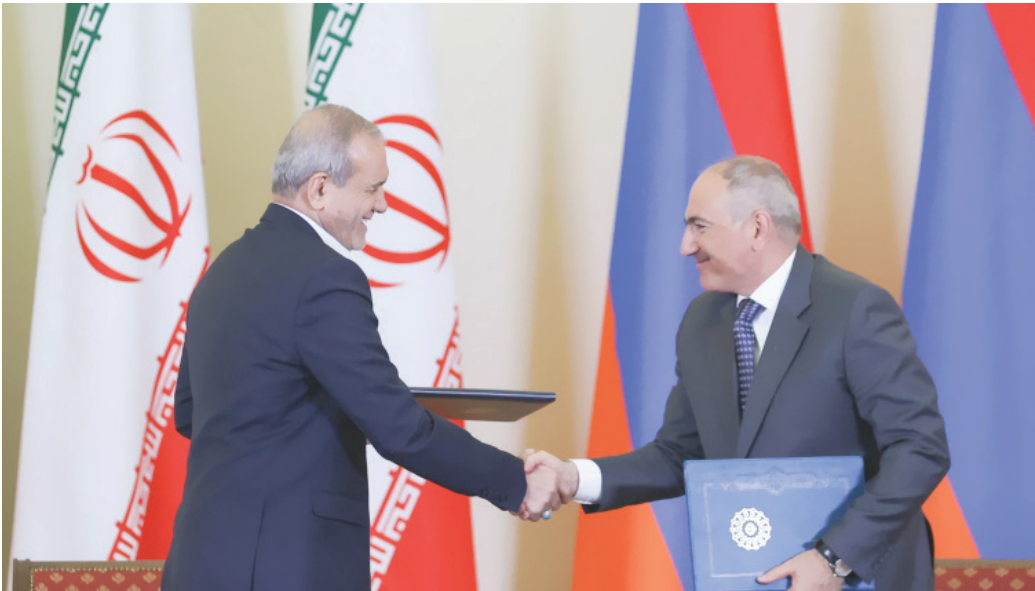
برهم‌کنش منافع متناقض در قفقاز، زنگرور را به یک پرونده پیچیده تبدیل کرده که هرگونه سهل‌انگاری در تحلیل و طراحی برای مواجهه با آن توجیهی نداشته و تبعات ژئوپلیتیک جبران‌ناپذیری را به ایران تحمیل خواهد کرد.

#### محتاط باشیم؛ اما خنثی نه

در پرتو سفر رئیس‌جمهور ایران به ارمنستان که با همراهی وزرای امور خارجه، راه و شهرسازی، میراث فرهنگی، صنعت و معدن و معاون رئیس‌جمهور در سزامان برنامه و بودجه همراه بود، وزیر راه و شهرسازی به توافقات حوزه حمل‌ونقل جاده‌ای اشاره کرده و گفته که ظرفیت پل نوردوز افزایش یابد و

برخی منابع می‌گویند در مذاکرات ایروان قول داده شده است تا کریدور جنجالی ارمنی بماند

# امضای پاشینیان تضمین است؟



کشورهای ترک‌زبان بدون نیاز به عبور از خاک ایران یا روسیه است. در این چهارچوب توافق اخیر میان ارمنستان و آمریکا بر سر تأسیس این کریدور فضای رسانه‌ای را تشدید کرده است. ترامپ ادعا کرده که این توافق به لطف تلاش‌های شخصی او به دست آمده است. او حتی با نام‌گذاری این مسیر به نام خودش به دنبال تثبیت جایگاهش به عنوان یک میانجی‌گر جهانی به امید کسب جایزه صلح نوبل است. اظهارات نخست‌وزیر ارمنستان در روز بعد از توافق که بر پروژه چهارراه صلح و همکاری‌های اقتصادی با کشورهای مختلف از جمله ایران، روسیه و چین تأکید داشت نشان‌دهنده تلاش ارمنستان برای متوازن کردن فشارهای سیاسی و جلب حمایت کشورهای منطقه است. آنچه پاشینیان در مورد چهارراه صلح می‌گوید با ورود آمریکا به منطقه که صراحتاً علیه ایران دست به تجاوز نظامی زده تناقض دارد، بنابراین فارغ از محتوای توافق ورود آمریکا به تعیین تکلیف معادلات سیاسی در قفقاز مسئله‌ای جدی‌تر محسوب می‌شود.

#### بعد از جنگ ۱۲ روزه نمی‌توان به حضور آمریکا بی‌توجه بود

با توجه به لزوم اتصال ایران به مسیرهای تجاری متعدد بحث کریدور زنگرور اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند. فضای رسانه‌ای پس از توافق ارمنستان و آمریکا بر سر تأسیس این کریدور تشدید شده و ادعا می‌شود که با تأسیس آن مسیر حرکت ایران به اروپا از طریق ارمنستان مسدود شود. این نگرانی‌ها ریشه در این دارد که کریدور زنگرور می‌تواند مسیرهای جایگزینی ایجاد کند که ایران را دور بزنند. منتقدان معتقدند که هرچند مسیر در اختیار ارمنستان است اما قرار است اداره آن در اختیار یک شرکت آمریکایی قرار گیرد و این امر هم دسترسی‌های احتمالی ایران را محدود کرده و هم با توجه به نقش آفرینی آمریکا در درگیری‌های اخیر برای ایران بحران امنیتی به وجود آورد. این دیدگاه بر این تأکید دارد که حضور آمریکا می‌تواند فشارهایی بر ارمنستان وارد کند تا از تکمیل مسیرهای شمال به جنوب جلوگیری شود. در مقابل استدلال‌های مخالف مطرح می‌شود که

مرزهای جغرافیایی در توافق سه‌جانبه ارمنستان، آذربایجان و آمریکا تغییر نکرده است و این همان موضوعی است که ایران پیش از این بارها بر آن تأکید کرده بود که چنین اجازه‌ای نخواهد داد. همچنین مسیر ایجادشده بین نخجوان و آذربایجان، که راه عبوری ترکیه به سمت دریای خزر را نیز فراهم می‌آورد همچنان در اختیار ارمنستان خواهد بود. مدافعان در مورد اجاره مسیر به شرکتی آمریکایی نیز پاسخ می‌دهند که چنین موضوعی در متن اصلی توافق نیامده و با توجه به اینکه آمریکادر بسیاری دیگر از کشورهای همسایه ایران نیز فعالیت امنیتی انجام می‌دهد ایران باید همانند موارد دیگر با این مسئله مواجهه داشته باشد. البته این به معنی بی‌توجهی به چالش‌های امنیتی احتمالی نیست. ایران باید ضمن رصد دقیق تحركات امنیتی، در مورد هرگونه اقدام امنیتی علیه خود به همسایگان شمالی‌اش هشدار دهد و این درک را ایجاد کند که در صورت تهدید ایران از خاک آن‌ها مناسبات امنیتی بر مناسبات دیپلماتیک غلبه پیدا کرده و ایران مبدأ تهدیدات را در لیست اهداف مشروع خود لحاظ خواهد کرد.

#### مدل بی‌رودر بایستی در قطر برای سایرین تشریح شود

مواجهه با تهدیدات احتمالی از مرز همسایگان شمالی به معنی وارد شدن به تقابل با همسایگان محسوب نمی‌شود. همان‌طور که ایران حمله به تأسیسات هسته‌ای توسط آمریکا را با حمله به پایگاه آمریکایی در قطر پاسخ داد تا اعلام کند در دفاع از مرزهای خود درگیر رودر بایستی سیاسی نخواهد شد؛ اما این مواجهه به معنی تقابل با دولت و مردم قطر نبود و ایران مراتب احترام خود به مناسبات همسایگی و علاقه‌مندی به توسعه روابط را بارها اعلام کرده است. با این وجود دلیلی برای ممانعت از پاسخ ایران به تهدیدات آمریکا از مبدأ پایگاه‌های ایجاد شده در منطقه وجود ندارد. در مورد کریدور زنگرور نیز همین رویکرد باید تثبیت شود. فلسفه ایجاد این کریدور ریشه در نیاز به اتصال مستقیم آذربایجان به نخجوان دارد که بخشی از طرح بزرگ‌تر اتصال آسیای مرکزی به اروپا است. این طرح با تمرکز بر کشورهای ترک‌زبان می‌تواند مسیرهایی را ایجاد کند که ایران یا روسیه را از مسیر تجارت زمینی بین آسیا و اروپا حذف کند. اگرچه تأسیس چنین جاده‌ای قطعاً اثرات اقتصادی دارد اما برخی استدلال‌هایی طرح می‌کنند که قطعیت مسدود شدن مسیر اروپا برای ایران را نقی می‌کند. یکی از این استدلال‌ها این است که چنین امری نیازمند تنش حداکثری ترکیه با ایران است که برای ترکیه بدون هزینه نخواهد بود. دسترسی ترکیه به آسیای میانه از مسیر زمینی به قدری ارزشمند است که ترکیه صرفاً با اتکا به مسیر تلفیقی زمین و دریا که نیاز به ۲ مرتبه بارگیری بندری در دریای خزر دارد حاضر نباشد آن را نابود کند. در چنین شرایطی ایران نیز خواهد توانست در یک مطالبه متقابل باز بودن مسیر زمینی انتقال کالا از ترکیه به اروپا را مطالبه کند. همین موضوع در مورد ارمنستان نیز صادق است، لذا ادعای انحصار ترانزیتی ایران قطعیت مطلق ندارد. اما بدیهی است که حضور آمریکا و سپردن مدیریت زنگرور به کاخ سفید فشارها بر ارمنستان برای جلوگیری از تکمیل کریدور شمال به جنوب را بیشتر می‌کند. در چنین شرایطی ایران باید روی مسیرهای جایگزین دریایی و زمینی از سایر کشورها نیز سرمایه‌گذاری کرده و با ایجاد مسیرهای موازی انگیزه‌ها برای تکمیل فشار به ارمنستان را کاهش دهد و هم‌زمان همسایگان شمالی را از تبدیل شدن به هاب امنیتی آمریکا بر حذر دارد.

شبه خبرنگاران اینترنشنال، در جنگ ۱۲ روزه ایران، در نقش شعبون بی‌مخ‌های کراواتی، ظاهر شدند

# قانون پایداری شعبون بی‌مخ‌ها



#### شعبون بی‌مخ‌های کراواتی

اول هم ششاه را می‌خواستند و این اتفاقات در میان همه‌ما اویاش به رهبری شعبون و جیغ و فریاد پری‌بلنده‌ها به رهبری ملکه اعتضادی اتفاق می‌افتاد. از زمان شروع جنگ ایران و اسرائیل نیز شبه‌خبرنگاران اینترنشنال با القای ترس و انتشار اخبار دروغ در میانه جنگ و دامن زدن به تهدید تخلیه تهران، پیام‌های رعب‌پهلوی و نخست‌وزیر رژیم را منتشر می‌کردند و تصور می‌کردند با القای احساس ناامیدی و ترس، می‌توانند مردم را به خیابان بیاورند و با سروصدا کردن در این مورد که دیگر کار نظام حکمرانی ایران تمام است، پروژه‌ای مثل ۲۸ مرداد را این بار برای ربیع پهلوی رقم بزنند. البته در موقعیت آتش‌بس، شعبون بی‌مخ‌های موجب‌بگیر صهیونیست‌ها همچنان مشغول کارند و برخلاف ۲۸ مرداد ۳۲ ویرین کار را حفظ کرده‌اند و با کراوات و ادبیات رسانه‌ای، پروژه را پیش می‌برند. پیش از این، اینترنشنال در میانه ناآرامی‌های ۱۴۰۱ نیز همین وظیفه را ایفا کرد و با هیاهو و انتشار اخبار دروغ به این توهم دامن می‌زد که کار نظام حکمرانی ایران تمام است.

#### ایران ۱۴۰۴، ایران ۱۳۳۲ نیست

برخلاف کودتای ۲۸ مرداد، برنامه‌ریزی‌های مشابه در ایران محقق نشد زیرا ۱. ایران بعد از انقلاب اسلامی و در میانه جنگ، دشمن و دوست را از یکدیگر تشخیص داد و تجاوز به خاک کشور خشمی در مردم ایجاد کرد که بلافاصله

همدلی و همگرایی مردم با وطن و اعلام خشم نسبت به متجاوز را به همراه داشت. تحقق این انسجام به مثابه مانعی جدی در برابر آن‌ها عمل کرد. ۲. تجربه تاریخی ایرانیان به ویژه کودتای ۲۸ مرداد این انگاره را در ذهن مردم ایران به اثبات رساند که بیکانه منافع آن‌ها را تأمین نمی‌کند. حالا اگر رسانه‌ای صراحتاً مواضع دشمنان ایران را ترویج دهد، طبیعی است که از جانب مردم ایران طرد شده و شنیده نمی‌شود. ۳. رسانه‌های فارسی‌زبان مثل اینترنشنال پیش از آن در ناآرامی‌های ۱۴۰۱ ماهیت واقعی خود را به نمایش گذاشتند و روشن شد هدف اصلی آن‌ها تجزیه ایران است. طبیعی است که با این شناسنامه روشن، حتی مخاطبان اندک آن هم بدانند که هدف اصلی آن‌ها چیست و آن را باور نکنند.

#### خطای مصدق تکرار نمی‌شود

نکته مهم‌تری که فضا را برای اجرای کودتا علیه مصدق فراهم کرد اعتماد او به آمریکایی‌ها بود. مصدق ملی شدن صنعت نفت را برای کوتاه کردن دست انگلیسی‌ها از نفت ایران پیش برد. البته انگلیس‌ها قرار نبود به همین راحتی دست از سر نفت ایران بردارند. انگلیس قرارداد داری را علم کرد و با استناد به آن به دادگاه لاهه شکایت برد. علاوه بر آن، تحریم نفت ایران و کاهش فروش نفت هم برای اعمال فشار به گزینه‌ها اضافه شد. آن‌ها حتی به خرابکاری و از کار انداختن ماشین‌ها و دستگاه‌های پالایشگاه آبادان هم متوسل شدند. بعد از کوتاه‌شدن دست انگلیسی‌ها از نفت ایران، آمریکایی‌ها با پیشنهاد به سراغ مصدق آمدند. زمانی که مصدق به آمریکا رفته بود، دو پیشنهاد از جانب آن‌ها مطرح شد؛ یکی به عهده گرفتن عملیات تصفیه و تولید نفت ایران و پیشنهاد دیگر هم طرح اتحادیه همکاری بین‌المللی. مصدق پیش از بازگشت به کشور، از آمریکایی‌ها کمک مالی خواست. درخواست وام ۱۲۰ میلیون دلاری از جمله این خواسته‌ها بود که آمریکایی‌ها با آن موافقت نکردند. ۲۳ میلیون وام هم آخرین درخواست مصدق بود که باز هم آمریکایی‌ها با آن موافقت نکردند. آمریکایی‌ها با وجود چراغ سبز مصدق حاضر به کمک به او نشدند، اما همین اعتماد زمینه را برای آمریکایی‌ها فراهم کرد تا راه را برای ضرب به زدن به ایران پیدا کنند. مسیری که حالا دیگر نخواهد افتاد، علت آن هم روشن است. ایران حتی اگر پای میز مذاکره هم حاضر شود، بنا را بر اعتماد نمی‌گذارد؛ چراکه اعتماد، نقطه شروع تسلیم است. البته اگر آمریکایی‌ها با هم‌راهی کارگزاران صهیونیستشان، محاسبانشان را بر مبنای نگاه قشری –که با نگاه‌های واگرایانه قائل به ترک تخاصم و برقراری روابط دوستانه با آمریکا هستند– چیده باشند، تحقق کودتا را رؤیایی دست‌یافتنی می‌بینند. البته نباید فراموش کرد مقصر شکل‌گیری این توهم در اتاق‌های غرب، تنها آن‌ها نیستند، بلکه بیانه‌های جبهه اصلاحات، آن‌ها را دچار این خطا می‌کند.